موضوع تحقیق:

بررسی شیوه های تاثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام علی علیه السّلام

دانش پژوه:

رضا خلیلی

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین موسی نژاد زید عزّه

مقطع تحصیلی:

پایه ششم

مرکز آموزشی:

مدرسه علمیه علوی- قم

**سال تحصیلی:**

98-99



برگ سبزی است تحفه درویش

تقدیم به پیش گاه مقدش و ملکوتی عالم آل محد ثامن الائمه علی بن موسی الرّضا و سید و مولی ما حضرت حجّت بن الحسن العسکری امام زمان و سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیهم آلاف التحیّة و الثناء .

با تقدیر و تشکر از زحمات اساتید گرانقدر همچون حضرت حجّت الإِسلام و المسلمین موسی نژاد و حجت الاسلام و المسلمین مردانی وحجّت الاسلام و المسلمین عابدینی که با رهنمودهای صمیمانه و خالصانه خویش در جهت تحقق رسیدن این پژوهش بی دریغتنه یاری رساندند .

چکیده

بدیهی است که در جهت اصلاح جامعه اسلامی کوشید و از شیوه های مختلف در این مسیر استفده نمود، یکی از شیوه های اصلاح جامعه، نهادینه سازی فریضه امر به معروف و نهی از منکر می باشد؛ که اگر به صورت صحیح در جامعه اجرا گردد تا حد زیادی از بروز مفاسد جلوگیری خواهد کرد. و بهترین معلمان اجرای این فریضه اهل بیت علیهم السّلام می باشند که شخص آمر به معروف و ناهی از منکر با استعانت آنها مسیر پر مخاطره اقامه فریضه الهی را سهل الوصول کند.

لذا محور این مقاله بررسی شیوه های تاثیر گذاری امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام علی علیه السّلام انتخاب شده است. پس از توضیح و بررسی لغوی و اصطلاحی لفظ امر به معروف و نهی از منکر ، به بررسی فقهی این فریضه و سپس در فصول مختلف به بررسی موارد تذکر و امر به معروف و نهی از منکر های آن امام همام و همچنین شیوه های برخورد ایشان با اتّفاقات متعدد و معرفی صلاحیت های مجری این فریضه الهی از منظر حضرت امیر علیه السّلام پرداخته شده است. تا آمرین به معروف و ناهیان از منکر سیره آن حضرت را سرلوحه کار خود قرار داده و در جهت اقامه امر به معروف و نهی از منکر حرکت کنند.

کلید واژه

امر به معروف و نهی از منکر، ضرورت امر به معروف و نهی از منکر، مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام علی علیه السّلام، آثار ترک امر به معروف ونهی از منکر، شرایط و خصوصیات آمر به معروف و ناهی از منکر، شیوه رویارویی حضرت با معروف و منکر، امر به معروف و نهی از منکر کارگزاران و منتسبین به حکومت.

Contents

[منابع تحقیق 5](#_Toc34301033)

[شروع تحقیق 9](#_Toc34301034)

[فصل اول 9](#_Toc34301035)

[بخش اول: 9](#_Toc34301036)

[بخش دوم 10](#_Toc34301037)

[فصل دوم 11](#_Toc34301038)

[بخش اول 11](#_Toc34301039)

[بخش دوم 12](#_Toc34301040)

[بخش سوم 15](#_Toc34301041)

[فصل سوم 27](#_Toc34301042)

[بخش اول 27](#_Toc34301043)

[آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر 29](#_Toc34301044)

[بخش دوم 30](#_Toc34301045)

# مقدمه

از مسائلی که ذهن هر شخص دغدغه مند نسبت به اصلاح جامعه اسلامی را به خود مشغول می کند، این است که چگونه می توان از طریق امر به معروف و نهی از منکر در جهت اصلاح جامعه قدم نهاد و در این مسیر از رهنمودهای کدام استاد یاری جست. در میان ائمه معصوم علیهم السّلام عصر امام علی علیه السّلام به علت تشکیل حکومت اسلامی، زمینه بیشتری در جهت اجرای این فریضه الهی وجود داشته و لذا می توان از ایشان به عنوان معلم نمونه در مورد مبحث امر به معروف و نهی از منکر یاد نمود. امر به معروف و نهی از منکر، فریضه ای است که تمامی افعال پسندیده و نا پسند از طریق آن می توان در جامعه نهادینه و یا برچید و ریشه های فساد را در جامعه نابود ساخت.

این بحث بیشتر در کتب فقهی تحت عنوان فروع دین مورد بررسی و دقت قرار می گیرد و لذا از مباحث اصلی علم فقه محسوب می گردد و در کتب معتبر و متعدد فقهی تبیین شده است.

اهمیت دار بودن این موضوع از این جهت است که امر به معروف و نهی از منکر مهمترین شیوه اصلاح جامعه محسوب می گردد و در تمامی اعصار، اقامه این فریضه الهی نقس اساسی در برچیده شدن فساد در جامعه را دارا بوده است.

در این مقاله سعی می شود ضرورت و وجوب امر به معروف ونهی از منکر و همچنین مصادیق و شیوه های تقابل امیرالمومنین علی علیه السّلام با معروف و منکر مورد بررسی قرار گیرد. و در پایان به خصوصیات شخص آمر و ناهی از منکر پرداخته می شود.

با توجه به افزایش جمعیت جامعه اسلامی و رشد رسانه های معاند در جهت افزایش فساد در جوامع خصوصا جوامع اسلامی و شیعی بنا برآن نهاده شد که به بررسی شیوه های امر به معروف و نهی از منکر آن هم با محوریت سیره امام علی علیه السّلام بپردازیم.

من الله التوفیق

رضاخلیلی، بندر صادی تجاری دیر، پاییز و زمستان 98

## فصل اول

## کلیات

### بخش اول: بررسی لغوی و اصطلاحی امر به معروف و نهی از منکر

ماده أَمَرَ:

به معنای طلب و تکلیف به شخصی به همراه استعلا و طلب بزرگی داشتن شخص امر کننده. و همچنین به معنای هر گونه امر مطلوب از جانب مولی به عبد و یا از جانب خود مکلف به نفس خودش می شود. (التحقیق،ج1ص 157)

به بیان دیگر امر ضدّ معنای نهی می باشد.(القاموس المحیط ج8ص8).

**ماده نهی:**

النَّهْيُ‏:

از ماده ن هَ یَ و در کتاب القاموس المحیط بیان شده است که به معنای ضد و نقیض امر می باشد.(القاموس المحیط،ج4 ص 459)

و در کتاب التحقیق علامه مصطفوی آورده است که لفظ نهی به معنای

طلب ترک کار یا شئ در واقع نهی مقابل امر می باشد[[1]](#footnote-1).(التحقیق ج12ص292)

**ماده معروف:**

بیان اجمالی:

المَعْرُوفُ‏: از ماده عَ رَف َ و در کتاب القاموس المحیط، جناب فیروز آبادی آورده است که معروف به معنای ضدّ و خلاف منکر(امر ناپسند) می باشد[[2]](#footnote-2).(القاموس المحیط ج3 ص 234)

بیان تفصیلی:

به بیان دیگر معروف به معنای معرفت و شناخت است به این معنا که شخص چیزی را به عنوان معروف می شناسد و بعد از شناخت، آن شئ را از غیر آن (امور منکر و ناپسند و یا مجهول بودن از لحاظ آثار و خصوصیات)جدا می کند، و حاکم در این جدا کردن و تمییز قائل شدن بین منکر و معروف، عقل شخص می باشد، که عقل تشخیص می دهد کدام کار معروف و کدام کار منکر محسوب نمی شود.(نقل به مضمون، التحقیق، ج8ص117)

**ماده منکر**

بیان اجمالی:

از ماده نَکَرَ و به معنای خلاف و عکس معروف(کار پسندیده) می باشد.(القاموس المحیط ج2 ص243)

بیان تفصیلی:

الْمُنْكَرُ: هر کاری که توسط عقل های صحیح حکم به زشتی و ناپسندی آن کار می کنند. (مفردات الفاظ قرآن ص823)

**بررسی اصطلاحی و فقهی معروف و منکر**

هر آنچه از نظر عقل و یا شرع واجب و مستحب و یا حرام و مکروه می باشد.

(نقل به مضمون، دلیل تحریر الوسیله للإمام الخمینی ، ص 21)

فما وَجَبَ عقلاً أو شرعاً وَجَبَ الأمر به و ما قبَّحَ عقلاً أو حرم شرعاً وجب النهیُ عنه و ما ندب و استحبَّ والأمرُ به کذالک و ما کره فالنهی عنه کذالک.

( دلیل تحریر الوسیله للإمام الخمینی ، ص 21)

پس هرآنچه عقلا يا شرعا واجب است، امر به آن واجب مى‌باشد و هر آنچه عقلا قبيح، يا شرعا حرام است، نهى از آن واجب مى‌باشد. و چيزى كه مندوب و مستحب باشد، امر به آن (هم) همچنين (مستحب) است و آنچه مكروه باشد، نهى از آن، چنين است. (ترجمه تحریر الوسیله، ج2ص 287).

هر آنچه که از نگاه عقل و یا شرع واجب می باشد، واجب است به آن امر کنیم، و هر آنچه که از نگاه عقل و یا شرع حرام می باشد، واجب است از آن نهی کنیم. همچنین هر آنچه از دیدگاه عقل و یا شرع مستحب است، مستحب است به آن امر کنیم و هر آنچه که از دیدگاه عقل و یا شرع مکروه است، مستحب است از آن نهی کنیم.

امر به معروف و نهی از منکر در چهار بخش از احکام تکلیفی بحث می شود.

واجب

مستحب

مکروه

حرام

#### بخش دوم: ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در کلام امام علی علیه السّلام

ضرورت امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین مسائل دین مقدس اسلام و به خصوص مذهب شیعه می باشد، و آیات و روایات فراوانی اشاره به ضرورت این فریضه مهم الهی دارند. و شیوه های امر به معروف و نهی از منکر را متذکر شده اند.

با اندکی تحقیق در کلام حضرت امیرالکلام امیرالمومنین علی علیه السّلام می یابیم مسئله امر به معروف ونهی از منکر از منظر ایشان جایگاه بسیار مهم و والایی داشته است؛ ایشان در روایتی، کارهای نیک همچون جهاد در راه خدا که در دین مبین اسلام تاکید جدی به انجام آن شده است را در مقابل امر به معروف و نهی از منکر، همانند آب دهانی در مقابل دریایی پهناور توصیف

می کنند[[3]](#footnote-3).(نهج البلاغه للصبحی ص 542)

و در احادیث گوهر بار دیگری، ایشان از امر به معروف ونهی از منکر را به عنوان قوام شریعت و عامل اقامه حدود یاد می کنند[[4]](#footnote-4).

و همچنین حضرت علیه السّلام از امر به معروف و نهی از منکر به پشتوانه ای برای مومنان یاد

می کنند[[5]](#footnote-5).

تمامی این احادیث در مقام بیان این مطلب هستند که مسئله امر به معروف و نهی از منکر، از مسائل مورد ابتلای مسلمین می باشد. و همچنین جایگاه ویژه ای نزد پیشوایان معصوم شیعه علیهم السّلام داشته و دارد.

##### بخش سوم: بررسی فقهی امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی علیه السّلام

امر به معروف و نهی از منکر در اغلب کتب فقهی مورد بررسی قرار گرفته است. و به عنوان یکی از واجبات دین مبین اسلام از آن یاد می شود.

مسئله امر به معروف و نهی از منکر آن چنان در سیره معصومین علیهم السّلام حائز اهمیت

می باشد که امام حسین علیه السّلام در وصیت نامه خود به محمد حنفیه هدف از قیام خود را برپایی امر به معروف و نهی از منکر بیان می کنند.

امام خمینی رحمت الله علیه در کتاب فقهی خود اشاره به این فریضه می کند:" این دو از والاترین و شریف ترین واجبات می باشند و به وسیلۀ این دو، واجبات برپا‏‎ ‎‏می شود، و وجوبشان از ضروریات دین است و منکر وجوبشان در صورت توجه به لازمۀ‏‎ ‎‏انکار و ملتزم شدن به آن از کفار می باشد." ترجمه تحریر الوسیله امام خمینی(س) ج1 ص 525.

**وجوب امر به معروف و نهی از منکر**

امام علی علیه السّلام در خطبه ای در روز عید فطر می فرماید: فَرَضَ‏ اللَّهُ‏ عَلَيْكُمْ وَ أَمَرَكُمْ بِهِ مِنْ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَ حِجِّ الْبَيْتِ وَ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ‏ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَر.(من لا یحضره الفقیهج1ص517)

در این بخش از روایت حضرت می فرمایند: فَرَض الله، یعنی خداوند واجب کرده است، اموری که بیان می گردد، و امر به معروف و نهی از منکر به همراه واجبات دیگر و به صورت عطف بیان فرموده است.

این روایت به وضوح دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد و تکلیف هر مکلّفی را به وضوح بیان می کند.

کُن بالمعروف آمراً و عن المنکر ناهیاً: آمر به معروف و ناهی از منکر باش.

(غررالحکم و دررالحکم ص531)

با توجه به مجموع روایات و علی الخصوص حضرت در این روایت گران سنگ از صیغه امر استفاده کرده اند که حاکی از وجوب امر به معروف و نهی از منکر می باشد، و بر مکلّفین لازم است به اقامه جدی این فریضه الهی بپردازند. حتی اگر تنها روایت در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، روایت مذکور بود، وجوب امر به معروف و نهی از منکر قابل برداشت بود، زیرا ظهور صیغه امر در وجوب می باشد.

وَ قَالَ امیرُالمومنین علی علیه السّلام: فَرَضَ‏ اللَّهُ‏ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشِّرْكِ وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ وَ الزَّكَاةَ تَسْبِيباً لِلرِّزْقِ وَ الصِّيَامَ ابْتِلَاءً لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ وَ الْحَجَّ [تَقْوِيَةً] تَقْرِبَةً لِلدِّينِ‏ وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ‏ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِ‏ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلسُّفَهَاء(نهج البلاغه للصبحی صالح، حکمت252)

این روایت از جمله روایاتی است که منسوب به امیر مومنان علی علیه السّلام می باشد و دالّ بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر می باشد. در این روایت نیز، حضرت همچون روایت قبل با لفظ فَرَض الله یعنی خدا واجب کرد، بیان را شروع می کنند و به همراه شمردن واجبات، به امر به معروف و نهی از منکر نیز اشاره می کنند.

خداوند امر به معروف را به خاطر مصلحت عوام و نهی از منکر را به خاطر کوبیدن سفیهان واجب نموده است». از این روایت علاوه بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر، حکمت تشریع آن دو نیز فهمیده می‌شود که عبارت از مصلحت عوام و راندن سفیهان جامعه است.

(Khamenei.ir بیانات، نماز جمعه1/4/80)

امام علی علیه السّلام: کن بالمعروف آمراً و عن المنکر ناهیاً(غررالحکم و درر الحکم ص 531): آمر به معروف و ناهی از منکر باش». حضرت در کوتاه‌ترین عبارت، وجوب این دو فریضه را بیان می کنند. امام علیه السّلام در این روایت نورانی از فعل امر کُن استفاده کرده اند. همچنین حضرت در این روایت به وجوب مسئله امر به معروف و نهی از منکر اشاره می کنند، اگرچه در این روایت طبق اصالةُ الظهور حکم به وجوب امر به معروف و نهی از منکر می کنیم ولی وقتی که این روایت را به همراه مجموع روایات دیگر مورد بررسی قرار می دهیم به وجوب این امر پی

می بریم.

**حرام بودن ترک امر به معروف و نهی از منکر**

لا یحل لعین مؤمن تری الله یعصی فتطرف حتی تغیره: حلال نیست برای چشم مؤمنی که ببیند نافرمانی خداوند می‌شود، چشم‌پوشی نماید، مگر اینکه نسبت به تغییر آن اقدام نماید.

در این روایت امام علیه السّلام به حرمت ترک امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارند و

می فرمایند لا یَحِلُّ، یعنی حلال نیست، در واقع حرام است، در صورت رویارویی با منکر، مومنی، نهی از منکر را ترک کند. و این حرمت تا زمان امتثال امر ادامه خواهد داشت.

فریضه ای که با اجرای آن منکر در جامعه برچیده شده و معروف نهادینه می گردد، مسلّم است ترک آن حرام و انجام آن واجب باشد. خصوصا در جامعه امروزی بشر که به تعبیر مقام معظّم رهبری تهاجم فرهنگی و رخنه فرهنگی وجود دارد و قابل انکار نیست که در صورت سهل انگاری و سکوت مومنین و متدینین فساد، جامعه بشری را احاطه می کند. لذا لازم است به اجرای این واجب شرعی، همانند اقامه صلاة، انجام حج و....بپردازیم.

**آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر**

اساسا بی توجه ای به هر فریضه الهی که جنبه اجتماعی دارد، جامعه اسلامی را تحت تاثیر آثار مخرب ترک آن قرار می دهد. فریضه امر به معروف و نهی از منکر نیز از این آثار مخرب مبنی بر ترک مستثنی نمی باشد.

**عدم پیروی از اهل بیت**

اذا لم یأمروا بالمعروف و لم ینهوا عن‌المنکر، لم یتبعوا الاخیار من اهل بیتی: هرگاه مردم امر به معروف و نهی از منکر نکنند، در آن هنگام است که از نیکان و برگزیدگان اهل‌ بیت من پیروی نمی‌شود». (کافی ج2ص374)

بزرگ‌ترین خطر و ضرری که در اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر متوجه جامعه اسلامی می‌شود، این است که مسلمانان از نیکان اهل ‌بیت تبعیت و پیروی نمی‌کنند و در عوض تابع نا‌اهلان و فاسدان خواهند گردید. بنابراین، یکی از آثار سوء ترک این فریضه، گمراهی و ضلالت است که گرفتار جامعه می‌شود؛ چرا که دنباله‌رو هادیان و راهنمایان معصوم و امین نگردیده و زمام امور خود را به دست افراد ناباب خواهند داد؛ همان‌گونه که در صدر اسلام و پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و آله و نیز پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، این اتفاق افتاد.

بیانات، نماز جمعه1/4/80)Khamenei.ir)

**لعنت خداوند**

نمونه دیگر از کلام امیرالمومنین علی علیه السّلام ذیل بحث آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر، که حضرت اشاره به لعنت خداوند دارد که شامل حال ترک کنندگان این فریضه الهی

می گردد. از ادامه روایت برداشت می شود که ترک کنندگان اصلی این فریضه الهی، افراد مطّلع و علماء می باشند. زیرا افراد نادان و کم سواد یا بی سواد که از منکر یا معروف بودن افعال مطلع نمی باشند.

ان‌الله لم یلعن القرن الماضی بین ایدیکم الا لترکهم الامر بالمعروف و النهی عن المنکر. فلعن‌الله السفهاء لرکوب المعاصی و الحکماء لترک التناهی: خداوند افراد قرن گذشته و پیش از شما را لعن نکرد مگر به خاطر اینکه آنان امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. لذا خداوند نادان‌ها را به خاطر ارتکاب معاصی و حکما و دانشمندان را به دلیل ترک تناهی و باز‌ نداشتن گناهکاران مورد لعن قرار داده است.(فیض الاسلام، خطبه 234،ص808)

**مسلط شدن اشرار بر جامعه و عدم استجابت دعا**

لا تترکوا الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یستجاب لکم:[58] امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ زیرا بدان بر شما مستولی می‌شوند و آنگاه دعا می‌کنید(برای نجات از آن وضع) ولی دعای شما مستجاب نمی‌شود.

## فصل دوم

## بررسی مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در کلام امام علی علیه السّلام

### بخش اول: برخورد ایشان با مردم و خویشان و نزدیکان

ائمه معصومین علیهم السلام به دلیل اینکه جانشینان بعد از پیامبر صلّی الله علیه و آله می باشند، همچون پیامبر وظیفه هدایت مردم را برعهده دارند. و اقتضای این وظیفه این است که نسبت به کارها و فعالیت های مردم جامعه متذکر گردند.

با مطالعه سیره این بزرگواران می توانیم موارد متعددی از تذکر و امر و نهی های ایشان را بیابیم که در زمان ها و موقعیت های مختلف به مخاطبان خود ابراز کرده اند. از جمله امام های معصوم علیهم السّلام، امام علی علیه السّلام می باشد که در زندگی ایشان اعم از زمان حکومت ایشان و حتی قبل از حکومت ایشان موارد متعددی از امر و نهی یافت می گردد که به شیوه های مختلف نسبت به مخاطب خود ابراز کرده اند.

در این فصل به مواردی از تذکرها و امر و نهی های ایشان نسبت به افراد مختلف می پردازیم.

**برخورد حضرت با دختر خود امّ کلثوم**

در روایات آمده علی بن ابی رافع که در بیت المال امیرالمومنین (علیه السلام) خدمت می کرد گفت: دختر آن حضرت یک گردنبند مروارید در روزهای عید قربان به امانت تضمین شده از من گرفت که پس از سه روز آن را بازگرداند. علی علیه السّلام آن را بر گردن وی دید، برداشت و به من گفت: "در مال مسلمانان خیانت می کنی؟" داستان را برای او نقل کردم و گفتمکه من آن را از مال خود کرده ام. حضرت فرمود:"همین امروز آن را بازگردان و اگر بار دیگر چنین کنی به کیفر من گرفتار خواهی شد". سپس فرمود: اگر دخترم این گردنبند را جز به امانت تضمین شده گرفته بود، نخستین زن، از بنی هاشم می بود که دستش به جرم سرقت بریده می شد.

(الحیاط،ج2،ص411 و412، تهذیب الاحکام،ج10،ص151، مناقب آل ابی طالب ع، ج1،ص375)

**برخورد حضرت با امّ هانی**

امّ هانی خواهر حضرت وقتی دید، امام بین برده آزاد شده او و خواهرش فرقی نمی گذارد و به هر یک بیست درهم می بخشد، به امام اعتراض نمود ولی امام جواب داد:

خدا تو را رحمت کند! ما در کتاب خدا، برتری برای فرزندان اسماعیل نسبت به فرزنداناسحاق نیافتیم.

(مناقب ابن شهر آشوب، ج2،ص37، سیاست نامه امام علی علیه السلام ص 443)

**قضیه امام علی علیه السلام و برادر عیال وار و فقیر خود عقیل**

در اینجا به نمونه ای از چند نمونه تذکر های امام علی علیه السّلام اشاره

می کنیم، که حضرت در برابر جناب عقیل، ترک یک خطا را متذکّر

می شوند.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

به خدا سوگند، برادرم عقيل‏را ديدم كه به شدّت تهيدست شده و از من درخواست داشت تا يك من‏[[6]](#footnote-6) از گندم‏هاى بيت المال را به او ببخشم. كودكانش را ديدم كه از گرسنگى داراى موهاى ژوليده، و رنگشان تيره شده، گويا با نيل رنگ شده بودند. پى در پى مرا ديدار و درخواست خود را تكرار مى‏كرد، چون به گفته‏هاى او گوش دادم پنداشت كه دين خود را به او واگذار مى‏كنم، و به دلخواه او رفتار و از راه و رسم عادلانه خود دست بر مى‏دارم، روزى آهنى را در آتش گداخته به جسمش نزديك كردم تا او را بيازمايم، پس چونان بيمار از درد فرياد زد و نزديك بود از حرارت آن بسوزد. به او گفتم، اى عقيل، گريه كنندگان بر تو بگريند، از حرارت آهنى مى‏نالى كه انسانى به بازيچه آن را گرم ساخته است؟ امّا مرا به آتش دوزخى مى‏خوانى كه خداى جبّارش با خشم خود آن را گداخته است؟ تو از حرارت ناچيز مى‏نالى و من از حرارت آتش الهى ننالم؟(نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه224 ص461)

**درخواست عبدالله بن زمعه از امام علی علیه السلام**

عبدالله بن زمعه که از شیعیان و اصحاب و مخلصان مولا علی علیه السّلام و از اشراف قریش بود؛ (اعیان الشیعه، ج8، ص53، اسدالغالبه،ج3، ص164، الأَصابه ج4ص95)هنگام خلافت آن حضرت، به خدمتشان رفت و مالی از آن حضرت در خواست کرد.

امام علی علیه السّلام فرمود: اين اموال كه مى‏بينى نه مال من و نه از آن توست، غنيمتى گرد آمده از مسلمانان است كه با شمشيرهاى خود به دست آوردند، اگر تو در جهاد همراهشان بودى، سهمى چونان سهم آنان داشتى، و گر نه دسترنج آنان خوراك ديگران نخواهد بود.

(نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه 232)

**امام علی علیه السّلام و اشعث بن قیس**

نوشتند كه اشعث بن قيس بود. چون قرار بود فرداى آن روز دادگاه اسلامى به پرونده او رسيدگى شود، شبانه حلوا را خدمت امام برد تا به خيال شيطانى خود، قلب آن حضرت را نسبت به خود تغيير دهد. که امام علیه السّلام با بصریتی که داشتند در مقابل فریب وی مقابله کردند و وی را نسبت خطایش متوجّه ساختند.(پاورقی، نهج البلاغه ترجمه دشتی، ص461)

امیرالمومنین علی علیه السّلام در خطبه 24 نهج البلاغه به این داستان اشاره می کنند و می فرماید:

شب هنگام كسى به ديدار ما آمد و ظرفى سر پوشيده پر از حلوا داشت، معجونى در آن ظرف بود چنان از آن متنفّر شدم كه گويا آن را با آب دهان مار سمّى، يا قى كرده آن مخلوط كردند! به او گفتم: هديه است؟ يا زكات يا صدقه؟ كه اين دو بر ما اهل بيت پيامبر صلّى اللّه عليه و آله و سلّم حرام است. گفت: نه، نه زكات است نه صدقه، بلكه هديه است. گفتم: زنان بچّه مرده بر تو بگريند، آيا از راه دين وارد شدى كه مرا بفريبى؟ يا عقلت آشفته شده يا جن زده شدى؟ يا هذيان مى‏گويى؟(خطبه 224نهج البلاغه، ص461)

**نظارت بر بازار**

امام باقر علیه السّلام فرمودند: امیر المومنین علی علیه السّلام هر روز صبح زود از دار الخلافه بیرون می آمدند و به تک تک بازارها سر می زدند و مطالبی را گوشزد می کردند؛ از جمله می فرمودند: از خدا بترسید و خیر خواهی را بر همه چیز مقدم بدارید. با آیان گرفتن در معامله به اموالتان برکت دهید. به خریداران گران ندهید تا به شما نزدیک شوند و با بردباری اخلاق خود را زینت دهید. از قسم خوردن و دروغ گقتن بپرهیزید و به ظلم و ستم نزدیک نشوید. در اندازه گیری و وزن کردن کم نگذارید و اجناس مردم را بی ارزش نسازید و خود را از فاسدان روی زمین نسازید.

(بحار الانوار، ج41، ص 104،حدیث 5.)

### بخش دوم

### **بررسی مصادیق برخورد حضرت با مدیران و مرتبطین با دستگاه حکومتی**

خلیفه ای همچون امیرالمومنین علی علیه السّلام لازم است با هر شخصی متناسب با منکر یا معروف وی و همچنین متناسب با مسولیت اجتماعی او برخورد کند.

زیرا تمامی افراد در زمینه تاثیر پذیری از امر به معروف و نهی از منکر یکسان نمی باشند.

از ابتدای مبحث تا کنون به بررسی مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و همچنین بررسی برخورد های آن حضرت با مردم و اصحاب خود پرداخته شد. اکنون به بررسی برخورد ایشان با مدیران حکومتی خود می پردازیم.

**قاضی یک روزه**

امام ابوالاسود دوئلی را قاضی کرد ؛ ولی در پایان همان روز، او را عزل کرد و به همین علت، او به قاضی یک روزه مشهور شد.(احقاق الحقّ، سید نورالله مرعشی، ج8، ص 548)

وقتی که ابوالاسود از عزل خود آگاه شد به محضر امام رفت و عرض کرد: "ای امیرمومنان چرا مرا عزل کردید؟ به خدا سوگند من هیچ خیانتی مرتکب نشدم".

امام فرمود:"این را می پذیرم،اما به من خبر دادند که دو نفر پس از نزاع با یکدیگر به نزد تو آمدند و تو با صدایی بلند بر سر آنها فریاد کشیدی. آنچنان که صدای بلند تر از صدای هر دوی آنها بود. قاضی حق ندارد با صدای بلند با کسی سخن بگوید".(khabaronline.ir، فرهنگ/ دین و اندیشه، تاریخ انتشار:17تیر94)

برخورد امام علی علیه السّلام با خویشان عثمان

ابن عباس می گوید این تذکر و به عبارت دیگر تهدید را حضرت در روز دوم خلافت خود در سال 35هجری دادند.(نهج البلاغه ترجمه دشتی، خطبه15، ص59)

چون در زمان حکومت عثمان، وی اموال فراوانی از بیت المال را به خویشاوندان خود بخشیده بود.

حضرت در خطبه پانزده نهج البلاغه می فرماید: به خدا سوگند، بيت المال تاراج شده را هر كجا كه بيابم به صاحبان اصلى آن باز مى‏گردانم، گر چه با آن ازدواج كرده، يا كنيزانى خريده باشند، زيرا در عدالت گشايش براى عموم است، و آن كس كه عدالت بر او گران آيد، تحمّل ستم براى او سخت‏تر است.(نهج البلاغه ترجمه دشتی، خطبه15، ص59)

**اجرای حدّ شراب خوار**

روزی به علی بن ابیطالب علیه السّلام خبر رسید که قیس بن عمرو، معروف به نجاشی در یک روز از ماه رمضان شراب خورده است. حضرت دستور جلب او را صادر کردند و فردای همان روز حدّ خوردن شراب، یعنی هشتاد ضربه شلاق را بر او جاری ساختند، سپس جهت شکستن حرمت ماه رمضان، بیست ضربه دیگر به وی زدند. این در حالی بود که نجاشی از شاعران حکومتی محسوب می شد و در جنگ با دشمنان اسلام تشویق می کرد. اما این کار سبب نشد که امام علیه السّلام از مجازات او چشم پوشی کند یا حد اقل آن را به تاخیر بیاندازد و حتی افرادی را که می خواستند مانع اجرای حد شوند، از این کار باز داشتند و میانجی گری هیچ کس را در این بازه نپذیرفتند.(همان)

**اعتراض امام علی علیه السّلام به غلام خود قنبر**

روزی امام علیه السّلام با غلام خود، قنبر مشغول تقسیم بیت المال بودند. وقتی تمامی اموال موجود را بین مردم به طور یکسان تقسیم کردند، قنبر به آن حضرت عرض کرد: من چون دیدمشما هرچه در بیت المال بین مردم تقسیم کردید و برای خودتان چیزی کنار نگذاشتید، مقداری از موجودی بیت المال را به خانه بردم، تا سهم شما باشد. وقتی به خانه رسیدند قنبر چیزهایی را که برداشته بود، به حضرت نشان داد. حضرت وقتی دیدند مقداری طلا و نقره است ناراحت شدند و فرمودند: دوست داشتم به جای این اموال آتش عظیمی به خانه ام می آوردی. آن گاه با شمشیر خودآنها را قطعه قطعه کردندو دستور دادند آنها را بین مردم به طور یکسان تقسیم کنند. (پایگاه اطلاع رسانی حوزهwww.howzeh.net، مجله گلبرگ، تیر1379، شماره4

## فصل سوم: شیوه های امر به معروف و نهی از منکر از منظر امام علی علیه السّلام

### **بخش اول: شیوه های امام علی علیه السّلام** در ارتباط با عموم مردم

با بررسی دقیق سیره امام علی علیه السّلام، برخورد ها و واکنش های بسیار اصولی و راهگشا از جانب ایشان یافت می گردد. ایشان به هیچ گاه در برخورد و تذکرهای اجتماعی خود با مردم، در وهله اول، با تندی و شدت وارد عمل نمی شدند، بلکه ابتدا قبل از اتّفاق افتادن خطا، اشخاص را برحذر

می داشتند، همان طور که در نامه ایشان به جناب مالک اشتر دیده می شود، حضرت قبل از تصدّی منصب توسط مالک در مصر تذکر می دهند. می توان برداشت نمود که نباید در تمام موارد منتظر خطا باشیم بلکه قبل از بروز خطا و قبل از رواج فساد در جامعه، جامعه را متذکر شویم.

بهترین شیوه امر و نهی کردن این است که قبل از بروز خطا شخص را متوجه ساخته و او را از انجام منکر، نهی و یا به انجام معروف تشویق سازیم.

در صورت بروز خطا متناسب با هر شخص شیوه برخورد ایشان تغییر می کند. گاهی برخورد شدید لازم است که در ادامه بیان خواهد شد و گاهی به قدری که شخص متوجه خطای خود شود کفایت می کند.

امام علی علیه السّلام می فرماید : پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله دستور داد با افراد گناهکار با چهره ای گرفته و در هم کشیده روبرو شویم .

(محمدی ریشهری ، محمّد ، 1380 تک جلدی ص 335)

وقتی مجموع سیره اهل بیت علیهم السّلام را مورد بررسی قرار می دهیم، می یابیم که همیشه چهره برافروخته کار ساز نیست گاهی نیاز به برخورد عملی است همانند قضیه امام علی علیه السّلام با برادر خود عقیل، که حضرت در مور برخورد با در خواست برادرش عقیل در یکی از خطبه های نهج البلاغه می فرماید:

روزى آهنى را در آتش گداخته به جسمش نزديك كردم تا او را بيازمايم، پس همچون بيمار از درد فرياد زد و نزديك بود از حرارت آن بسوزد. به او گفتم، اى عقيل، گريه كنندگان بر تو بگريند، از حرارت آهنى مى‏نالى كه انسانى به بازيچه آن را گرم ساخته است؟ امّا مرا به آتش دوزخى مى‏خوانى كه خداى جبّارش با خشم خود آن را گداخته است؟ تو از حرارت ناچيز مى‏نالى و من از حرارت آتش الهى ننالم؟(نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه224 ص461)

در این اتفاق، حضرت متناسب با مخاطب خود که کور است و نیز متناسب با خطای وی، شیوه تذکر ایشان نیز تغییرمی کند.

از باب مقدمه بحث لازم به ذکر است ایشان در زمینه اجرای حد و حدود الهی هیچ گاه مسائلی همچون طبقه اجتماعی، منصب، اموال و امثالهم را مانعی برای اجرای حد نمی دانستند.

در اینجا به بررسی شیوه های مختلف امام علی علیه السّلام به هنگام انجام امر به معروف و نهی از منکر می پردازیم:

**برخورد حضرت با دختر خود امّ کلثوم**

امّ کلثوم، وقتی گردنبندی را از خزانه دار(ابورافع) به عاریه گرفت، امام گردنبند را پس گرفته و به بیت المال داد و فرمود: ای دختر علی ابن ابی طالب! از حق کناره مگیر، آیا همه مهاجران در این عید با چنین گردنبندی خود را می آرایند؟!(تاریخ طبری،ج5،ص156، به نقل از سیاست نامه امام علی علیه السّلام)

**بررسی شیوه مقابله حضرت با این پیش آمد:**

در این اتفاق تصریح شده است که گردنبند، عاریه مضمونه می باشد، و (عاریه مضمونه اشکالی ندارد).(wikiporsesh.ir، پایگاه اسلام کوئست). اما حضرت با این اتفاق برخورد کردند.

از این شیوه برخورد می می توان دلایل متعددی را برداشت کنیم:

الف: جلوگیری از امانت های غیر مضمونه دیگری که ممکن بود این پیش آمد مسبّب آنها گردد.

حضرت با این نحو برخورد در برابر پیش آمد های ممکن ایستادگی کردند.

ب: جلوگیری از زمینه ایجاد سوء ظنّ مردم نسبت به این قضیه، و در واقع حضرت خود و وابستگان خویش را از چنین موضع اتهامی برحذر داشتند، که این خود نوعی نهی از منکر محسوب می گردد.

ج: می توان گفت؛ برخورد حضرت، درس عبرتی برای دیگران محسوب گردید، که نتوانند به واسطه مرتبط بودن با دستگاه حکومتی سوء استفاده کنند.

**قضیه امام علی علیه السلام و برادر ایشان جناب عقیل**

در این اتّفاق قطعا نتیجه های تربیتی فراوانی در زمینه شیوه های انجام این فریضه الهی (امر به معروف و نهی از منکر) وجود دارد ولی آنچه که می توان برداشت کرد را در این بخش مورد بررسی قرار می دهیم. (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه224 ص461)

**بررسی شیوه تذکر امام علی علیه السّلام:**

**عدم ملاحظه نزدیکان در زمینه امر به معروف و نهی از منکر**

برخی گمان مدارند مسئله امر به معروف و نهی از منکر، مسئله ای است درمورد دیگران

و خود عاری از هر گونه خطا هستند و حتی در صورت بروز خطا از جانب نزدیکان خود، نیازی به امر و نهی نمی باشد. در حالی که این اتّفاق خلاف دستورات قرآن کریم می باشد که می فرماید:

یا أَیُها الَّذینَ آمنوا قو أَنفسَکُم وَ أَهلیکُم ناراً[[7]](#footnote-7).

از این آیه برداشت می شود قدم اول در مورد امر به معروف ونهی از منکر بعد از خود شخص، خویشان و نزدیکان خود است، همانگونه که نبی مکرّم اسلام حضرت محمد مصطفی صلّی الله علیه و آله و سلَّم دعوت به دین مبین اسلام را از خویشان خود آغاز کرد.

برخی نیز بر این گمانند که مال و اموال و جایگاه اجتماعی می تواند مانع اجرای حدود باشد در حالی که قرآن کریم این مسائل را عامل برتری افراد جامعه نمی داند و می فرماید: یاأَیُّها النّاس إِنّا خَلَقناکُم مِن ذَکَرٍ أَو أُنثی وَ جَعَلناکُم شُعوباً وَ قبادلَ لِتَعارَفوا إِنَّ أَکرَمَکُم عِندالله أَتقاکُم: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی تردید گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.(حجرات،13)

**در جریان قرار گرفتن شخص آمر به معروف و ناهی از منکر، از شرایط و دلایل خطای مخاطب خود:**

در این اتّفاق امام علی علیه السّلام به عنوان یکی از مجریان این امر مهم در جامعه اسلامی آن روز، ابتدا در جریان کامل اتّفاق قرار می گیرد و قضیه را مورد بررسی قرار می دهد.

بسیار ناپسند است در جامعه اسلامی شاهد این باشم که برخی افراد بدون در اطلاع از دلایل خطای مخاطب به امر و نهی می پردازند. لازم است امر به معروف و نهی از منکر اجرا گردد، واجب الهی است اما نباید ریشه و علت بروز منکر، از جانب مخاطب نادیده گرفته شود.

امام علیه السّلام آنقدر در جریان این اتّفاق قرار می گیرند و پای درد درل برادر می نشینند، که جناب عقیل گمان می کند امام علیه السّلام، قصد دارد، تمامی اصول دین و دیانت را کنار گذاشته و حقوق دیگران را پایمال کند و به وی کمک کند.

**بیان عواقب کار خطا توسط شخص آمر یا ناهی**

گاهی شخص خاطی، متوجه عواقب خطای خود نیست، به علت زیادی مشکلات روزمرّه و یا عدم آشنایی صحیح با مسائل دینی، از آخرت غافل می شود؛ و به بهانه حل مشکلات خود، به هر کاری دست می زند؛ در این موارد می بایست شخص ناهی از منکر، مخاطب خود را متوجه عواقب خطایش کند.

یکی از زیباترین و تاثیر گذار ترین شیوه های امر به معروف و نهی از منکر، بیان عقاب و یا ثواب امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

در بسیاری از موارد برخی از افراد احساس می کنند که فقط باید امر و نهی کنند، این شیوه برخورد، منجر به سردرگمی شخص خاطی می شود، متوجه نخواهد شد که چرا کار وی مورد نهی دیگران واقع شده است.

**امام علی علیه السّلام و اشعث بن قیس**

(خطبه 224نهج البلاغه، ص461)

**بررسی شیوه تذکر امام علی علیه السّلام:**

**تغییر کردن شیوه تذکر بر اساس خطای مخاطب**

یعنی تمامی خطاها را نباید به یک شیوه مورد امر و نهی قرار بدهیم، گاهی عقیل است و بیت المال، گاهی اشعث است و رشوه.

اینجا حضرت وی را توبیخ می کند و وی را متوجه خطایش می کنند.

این شیوه برخورد، برخوردی بسیار پسندیده است که تمامی کارگزار حکومتی می توانند، از این شیوه الگو گیرند و سرلوحه کارشان قرار دهند.

**اطلاع دقیق از قصد و غرض مخاطب**

اینجا امام علیه السّلام در وهله اول اشعث را متهم به رشوه دادن نمی کنند، بلکه اول از وی می خواهند، نیت خود را کامل بیان کند. در اینجا استفهام امام علی علیه السّلام قطعا سوال استفهامی نیست، چون امام از نیت های خیر شرّ دیگران آگاه است بلکه می خواهند از وی اقرار گرفته و نیت شوم وی را از زبان خود شخص خاطی برملا کنند.

متاسفانه دیده می شود در جامعه اسلامی برخی اشخاص به نیت امر به معروف و نهی از منکر به راحتی دیگران را متهم به برخی از گناهان می کنند، قبل از اطلاع دقیق از قصد و غرض آنها؛ که این اتهام زنی در شان جامعه متمدّن اسلامی نمی باشد. و همین اتّهام زنی ها موجب زدگی افراد خاطی از دین و دیانت و فریضه ای همچون امر به معروف و نهی از منکر می شود.

در حالی که منش شیعه، در وهله اول گمان نیکو بردن است، تا آنجا که امام علی علیه السلام در روایتی می فرماید: ضَع أَمرَ أَخیک علی أَحسَنِه[[8]](#footnote-8): رفتار برادرت را به بهترین وجه آن تفسیر کن.

البته قرار نیست از خطای مخاطب غافل شویم، در این داستان، امام علی علیه السّلام از خطای اشعث غافل نشدند، بلکه از اتّهام وی در ابتدای کار و قبل از اقرا خود او، شروع به اتّهام زنی نکردند.

**نظارت بر بازار**

امام باقر علیه السّلام فرمودند: امیر المومنین علی علیه السّلام هر روز صبح زود از دار الخلافه بیرون می آمدند و به تک تک بازارها سر می زدند و مطالبی را گوشزد می کردند؛ (بحار الانوار، ج41، ص 104،حدیث 5.)

توصیه قبل از بروز خطا، استفاده از جملات تاثیر گذار، گاهی نیاز است به طور تک تک نکاتی را گوشزد کنیم، گاهی نیاز است به طور عمومی بیان کنیم. گاهی به علت عدم شیوع یک خطا در یک مجمعی همچون بازار لازم است که به خود شخص تذکر بدهیم، نه اینکه به صورت عمومی، تک تک متذکر شدن می تواند به این دلیل باشد که مشتریان را دچار ترس و واهمه نکند، و بازار را دچار نوسان در زمینه خرید نکند، یا می تواند بخاطر اینکه اشاعه برخی خطاها نشود لذا تک تک تذکر می دادند.

**نتیجه های تربیتی این اتّفاق**

**نهی از منکر قبل از بروز منکر**

امام باقر علیه السّلام فرمودند: امیر المومنین علی علیه السّلام هر روز صبح زود از دار الخلافه بیرون می آمدند و به تک تک بازارها سر می زدند و مطالبی را گوشزد می کردند؛ از جمله می فرمودند: از خدا بترسید و خیر خواهی را بر همه چیز مقدم بدارید. با آیان گرفتن در معامله به اموالتان برکت دهید. به خریداران گران ندهید تا به شما نزدیک شوند و با بردباری اخلاق خود را زینت دهید. از قسم خوردن و دروغ گقتن بپرهیزید و به ظلم و ستم نزدیک نشوید. در اندازه گیری و وزن کردن کم نگذارید و اجناس مردم را بی ارزش نسازید و خود را از فاسدان روی زمین نسازید.

در این واقعه حضرت علیه السّلام در ابتدای صبح، که ابتدای کسب و کار است و کسبه در حال شروع کسب و کار هستند، حضرت به آنها هشدار می دهند به دوری کردن از بیع حرام، هشدار

می دهند از بیع به همراه دروغ و نهی می کنند از ظلم و ستم.

یکی از شیوه های نیکو برای انجام این فریضه الهی این است که آمر به معروف و ناهی از منکر، قبل از بروز خطا مخاطب خود را متوجه سازد و وی را از منکر نهی کند.

این موجب می شود به خودی خود خیلی از منکر ها از جامعه اسلامی برچیده شود و یا خیلی از کارهای پسندیده نیز در جامعه اسلامی نهادینه گردد؛ چون شخص از منکر و یا معروف بودن بودن کار خود آگاهی پیدا کرده و در جهت اصلاح کار خود قدم بر می دارد و در نتیجه شاهد تحوّل هر چه بیشتر جامعه اسلامی خواهیم بود.

**توصیه به بردباری**

بردباری لفظی کلی می توانیم از این اجمال و مطلق گویی حضرت برداشت کنیم که مولی علی علیه السّلام مخاطب را به سمتی سوق می دهند که آستانه تحمّل خود را در طول کسب و کار با مشتریان بیشتر کند. مثلا در مواردی که مشتری مضطرّی که به هر دلیلی مبیع خود را می خواهد پس دهد، اگر فروشنده از آستانه تحمّل و بردباری لازم برخورد دارد باشد، به راحتی کالای خود را پس می گیرد و مشتری خود را راضی نگه می دارد. و این اخلاق نیکوی "کالای فروخته شده پس گرفته می شود" از طریق نهادینه شدن بردباری در کسب و کار رواج پیدا خواهد کرد.

**نهی از منکر به همراه بیان راه کار**

حضرت تنها ناهی از منکر و آمر به معروف نبودند بلکه به عنوان مربی جامعه به بیان راهکار نیز می پرداختند. در این واقعه امام علی علیه السّلام ابتداء مخاطب های خود را به دوری از ظلم و ستم دعوت می کنندو سپس مخاطب های خود را راهنمایی می کنند که چگونه می توان از ظلم و ستم دوری جست.

حضرت به نحوه اندازه گیری در کیل ها و وزن ها اشاره می فرمایند و مخاطب خود را از نحوه لحاظ کردن کیل حلال و شرعی آگاه می سازند.

این نحوه امر به معروف و نهی از منکر، مخاطب را که دارای شغل یا حرفه ای خاص است را متوجه می سازد که شخص ناهی از منکر از شغل یا تخصص وی آگاهی کامل دارد. و یا شناخت کامل او را به سمت مسیر هدایت راهنمایی می کند.

خیلی از مخاطب های لجوج که در مقابل شخص آمر به معروف و ناهی از منکر قرار می گیرند وی را متهم به عدم اطلاعی از تخصّص خود می کنند و شخص تذکر دهنده را مغلوب می سازند، در این مواقع لازم است که شخص تذکر دهنده از تخصص و یا شخل مخاطب خود اطلاعات اجمالی داشته باشد، که فقط ناهی از منکر نبوده بلکه آمر به معروف نیز باشد. نه تنها مخاطب را از خطایش آگاه کند بلکه علاوه بر آگاهی دادن و نهی کردن، به وی راهکار نیز ارائه میدهد. این نحوه تذکر دادن مخاطب را نیز بیشتر تحت تاثیر قرار می دهد.

**بیان عواقب خطا قبل از بروز خطا**

یکی از راه های جلوگیری از خطا در جامعه اسلامی، نهی از منکر به همراه بیان عواقب آن است.

حضرت در یپایان فرمایشات خود به بازاریان می فرماید خود را از مفسدان روی زمین نسازید، و زمانی این فرمایش را مطرح می کنند که هنوز اتّفاقی رخ نداده است، هنوز منکری صورت نگرفته است.

برای مفسدان بر روی زمین طبق فرمایشات متعدد خداوند متعال در جای جای قرآن کریم، عواقب بسیار درناکی بیان شده است تا آنجا که در سوره مبارکه بقره آیه 206 خداوند وعده دوزخ داده و مفسدان را دارا بودن جایگاه بد هشدار می دهد.

وقتی مخاطب از عواقب کار خود و یا از نتیجه خوب کار خود آگاه می گردد بهتر متوجه امر به معروف و نهی از منکر شخص هادی می شود و بیشتر تحت تاثیر آمر به معروف و ناهی از منکر قرار می گیرد.

در مواردی دیده می شود افرادی توسط شخص دیگری مورد تذکر قرار می گیرند ولی شخص خاطی هیچ گاه از دلیل منکر بودن کار خود و یا از ثواب و عقاب خطای خود آگاه نمی گردد.

#### بخش دوم: بررسی شیوه های برخورد حضرت با کارگزاران و مرتبطین دستگاه حکومتی

لازم به ذکر است حضرت از بدو انتخاب و قبل از اشتغال در امورد حکومتی، مدیران و کارگزاران، همت می گمارید تا مدیران بر اساس اصل خدا محوری و تقوا و نداشتن غرور و مردم گرائی، رعایت عدل و انصاف و تخصّص و مدیریت انخاب گردند.(نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه18،19،27،53،76).

و همچنین ایشان در رعایت اصل نظارت بر عملکرد مدیران، شدیداً حساس و دقیق بود. حضرت امیر عده ای را برای نظارت به کار مدیران بر می گزید و به گزارش های مردمی توجه می نمود و از مردم می خواست بر کار مدیران نظارت داشته باشند. لازم به ذکر است؛ یکی از بهترین شیوه های کنترل فساد در دستگاهای حکومتی در هر جامعه و دولتی، فعال کردن نظارت مردمی می باشد، که مردم به محض مواجهه با فساد در هر دستگاهی، اقدام به تهیه گزارش برای دستگاه های ذی ربط کنند.

حضرت اگر خطایی از مدیران خود میدید،ابتدا گوشزد و در صورت تکرار، عزل می نمود و از مدیران و از مدیران معزول دلجوئی می نمود و حتّی در برخی موارد از مدیران لایقچون محمد بن ابی بکر و مالک اشتر به خوبی و نیکی یاد و تعریف می نمود.(سایت پرتال جامع علوم انسانی، فرهنگ کوثر، 1384، شماره 61).

**قاضی یک روزه**

امام ابوالاسود دوئلی را قاضی کرد ؛ ولی در پایان همان روز، او را عزل کرد و به همین علت، او به قاضی یک روزه مشهور شد.(احقاق الحقّ، سید نورالله مرعشی، ج8، ص 548)

وقتی که ابوالاسود از عرل خود آگاه شد به محضر امام رفت و عرض کرد: "ای امیرمومنان چرا مرا عزل کردید؟ به خدا سوگند من هیچ خیانتی مرتکب نشدم".

امام فرمود:"این را می پذیرم،اما به من خبر دادند که دو نفر پس از نزاع با یکدیگر به نزد تو آمدند و تو با صدایی بلند بر سر آنها فریاد کشیدی. آنچنان که صدای بلند تر از صدای هر دوی آنها بود. قاضی حق ندارد با صدای بلند با کسی سخن بگوید".(khabaronline.ir، فرهنگ/ دین و اندیشه، تاریخ انتشار:17تیر94)

**جدیّت در برخورد**

امام علی علیه السلام در زمینه برخورد با منکر از شیوه های متعددی استفاده کردند، با اندکی تحقیق می یابیم، شدید ترین برخورد ها، برخودهایی می باشد که حضرت با کارگزاران و مرتبطین سیاسی دستگاه حکومت بوده اند.

در این اتفاق حضرت باعزل ابوالاسود نه تنها وی را نهی از منکر فرمود، بلکه دیگرانی که احیانا به این جایگاه چشم دوخته و یا خطاهایی از آن ها به طور پنهانی سرزده را تاثیر قرار دادند.

**سرعت عمل**

از جمله خصوصیات یک آمر به معروف و ناهی از منکر خصوصا اگر جایگاه سیاسی بالایی را در جامعه دارا باشد، این است که نسبت به خطای کارگزاران خود، سرعت عمل داشته باشد. زیرا گاهی با سهل انگاری و بی توجه ای به خطای کارگزاران، خطایی بس جبران ناپذیر متوجه مردم و یا دستگاه حکومتی می گردد.

**اجازه ندادن تکرار خطا**

گاهی لازم است مسول جامعه نسبت به خطای کارگزار خود سخت گیر باشد و حق چشم پوشی از خطا را خصوصا در مواردی که مرتبط با تضییع حقوق مردم بوده ندهد.

با این کار قطعا کارگزاران دیگر و علی الخصوص شخص خاطی به فکر اصلاح رفتار خود با مردم خواهند افتاد.

در مواردی دیده شده که حضرت ابتدا با تذکر لسانی مخاطب خود را مورد امر و نهی قرار داده اند؛ اما حضرت نسبت به هر مشکل و اتفاق، برخورد متناسب با آن را لحاظ می فرمایند.

برخورد امام علی علیه السّلام با خویشان عثمان

ابن عباس می گوید این تذکر و به عبارت دیگر تهدید را حضرت در روز دوم خلافت خود در سال 35هجری دادند.(نهج البلاغه ترجمه دشتی، خطبه15، ص59)

شیوه برخورد حضرت هنگام مواجه با این اتّفاق :

**تذکر قبل از اقدام عملی**

حضرت به علت اینکه خلیفه بودند، می توانستند از ابتداء شروع به اقدام عملی و باز پس گیری بیت المال کنند، اما؛ در وهله اول به تذکر لسانی اما با الفاظ محکم و تهدید آمیز بسنده کردند.

اگر ایشان در همان وهله اول دست به اقدام عملی می کردند، راه برگشت از خطا را بر روی بسیاری از مردم می بستند. قطعا افرادی در میان افراد خاطی بودند، که می خواستند به حکومت عدل علی برگردند اگرچه فهو شرٌّ لَهُم باشد. زیرا طعم ستم را چشیده بودند، طعم فاصله طبقاتی را چشیده بودند، طعم عدالت علوی نیز چشیده بودند.

**جلوگیری از خصومت و لج بازی برخی از افراد**

حضرت درواقع از طریق این اقدام از اقدامات مخاصمت آمیز برخی افراد جلو گیری کردند. زیرا برخی افراد که مختص به حکومت علوی نیستند و اتّفاقا همیشه و در هر حکومتی وجود دارند، به هنگام اجرای عدالت و یا هر گونه تذکر دیگری، شروع به خصومت و لج بازی می کنند.

بهترین شیوه برخورد با این چنین افراد لجوجی، تذکر لسانی همراه با تهدید است.

متاسفانه با بررسی کارشناسی برخی از برخورد های آمران به معروف و ناهیان از منکر متوجه این اشتباه می شویم که قبل از تذکر، شروع به اقدام عملی می کنند، یا اینکه در مواقعی که نیاز به اقدام عملی بوده، به گونه ای برخورد کردند که مخاطب را لج بازتر کرده است. و نسبت به خطای خود پافشاری نشان داده است.

اشخاص افراطی همچون اکبر پونزها[[9]](#footnote-9) که به هنگام برخورد با خانم های بد حجاب در ابتدای انقلاب، شروع به فرو کردن پونز در پیشانی آنها می کردند، این کار هیچ گونه تاثیر مثبتی بر روی مخاطب نخواهد داشت، بلکه مخاطب را لج بازتر می کند و حسّ نفرت وی را نسبت به دین و دستورات دینی بیشتر و بیشتر می کند.

**امر به معروف و نهی از منکر در هر زمان یا مکانی دارای تاثیر های متفاوتی می باشد**

گاهی لازم است به محض مطّلع شدن خطا، متذکر شد و مخاطب را توبیخ کرد، گاهی تنیز لازم است مخاطب توبیخ گردد، یا گاهی به علت نبود موقعیت مناسب سکوت کرد.

در این داستان، امام علیه السّلام به محض تصدّی منصب خلافت، شروع به نهی از منکر می کنند، اما به نحو کاملا سربسته و کلی، قبل از هر گونه اقدام عملی.

این کار موجب می شود، مخاطب متوجه خطای خود شود و شروع به جبران خطایش کند.

**ملاحظه نکردن برخی مصالح**

اینجا حضرت می توانستند به جهت جذب قلوب مردم و یا حفظ پشتیبانی مردم از حکومت، سکوت کرده و این نهی از منکر را به وقت دیگری موکول کنند اما؛ ایشان اجرای حد و حدود الهی را بر هر مصلحت دیگری مقدم داشتند.

برخی امر و نهی هایشان نسبت به افراد ضعیف است، به یک دختر تنهای گوشه خیابان که

می رسند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند ولی وقتی به اختلاس و اختلاس گر می رسند سکوت می کنند، وقتی به یک ربا خوار جزئی می رسند شروع به نهی از منکر می کنند ولی وقتی به ربای بانکی می رسند، سکوت می کنند. این شیوه امر به معروف و نهی از منکر قطعا خلاف دستورات دینی و پیشوایان دین اسلام و مذهب شیعه می باشد.

اعتراض امام علی علیه السّلام به غلام خود قنبر

(پایگاه اطلاع رسانی حوزهwww.howzeh.net، مجله گلبرگ، تیر1379، شماره4)

**ابراز ناراحتی کردن نسبت به خدمت گذار ترین شخص به ایشان**

این نشان از عدالت امام علیه السّلام است، که نسبت به خطای همه واکنش نشان می دهند، اینجا حضرت می توانستند به پاس خدمکت های غلامش، سکوت کنند و ملاحظه وی را کنند، ولی حتی نسبت به غلام خود که بسیار خوش خدمت هم بود، فریضه امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکردند.

گاهی دید ه می شود فردی به علت خوش خدمتی به رئیس خود، ترفیع می گیرد، اگرچه تخصصی هم نداشته باشد، یا برخی آنقدر به چاپلوسی برخی بها می دهند، که سخص چاپلوس به راحتی از وی سوء استفاده می کند و مافوق خود را تحت تاثیر قرار می دهد و باالتّبع، ما فوق نیز نسبت به خطاهای وی ملاحظه کاری می کند، ولی امام علی علیه السّلام حتی نسبت به غلام خود که بسیار همک خوش خدمت بود، هیچ گونه ملاحظه ای نکرده و وی را توبیخ می کند و وی را از کارش نهی مکی کند.

**نهی از منکر به صورت غیر مستقیم و عملی**

اینجا حضرت می توانستند، با لحنی تند تر و توبیخی تر صحبت کنند، ولی به لسان غیر مستقیم اما رسا اکتفا می کنند.

هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد، گاهی لازم است عملی امر و به معروف و نهی از منکر کرد، گاهی لازم است مستقیم به مخاطب تذکر دهیم گاهی لازم است غیر مستقیم مخاطب را نسبت به خطایش متوجه سازیم.

**نهی از منکر به صورت عملی**

حضرت اموالی که قنبر با خود به خانه آورده بود را در مقابل چشمان قنبر شروع به تقسیم کردند و به وی فهماندند که این اموال، متعلّق به بیت المال مسلمین است و کار وی اشتباه بوده است.

یکی از شیوه های مناسب تذکر به دیگران، شیوه عملی است، که شخص بدون هیچ گونه تذکر لسانی از طریق عمل خود به مخاطب گوشزد می کند که کار وی خطاست.

امام صادق علیه السّلام در روایتی می فرماید: کونوا دعاةَ النّاس بغیر أَلسِنَتِکُم(روضةُ المتّقین فی شرح من لا یحضرهُ الفقیهج12ص76)

**اجرای حدّ شراب خوار**

روزی به علی بن ابیطالب علیه السّلام خبر رسید که قیس بن عمرو، معروف به نجاشی در یک روز از ماه رمضان شراب خورده است. حضرت دستور جلب او را صادر کردند و...(همان)

**شیوه های برخورد مولا امیرالمومنن علی علیه السّلام با این اتّفاق:**

**تساوی اجرای حدود حتی در مورد مقرّبان**

یکی از زینت های هر حکومتی خصوصا حکومت اسلامی این است که حتی مقرّبان دستگاه حکومت نیز از قانون مستثنی نبوده و در مورد آنها نیز حد و حدود الهی اجرا گردد. در این اتّفاق، حد الهی در مورد شخص اجرا می شود که اتفاقا از مقرّبان حکومت می باشد، ولی این تقرّب در عدل علوی

هیچ خللی ایجاد نمی کند و امام علیه السّلام حدّ الهی را اجرا می کنند.

**عدم توجه به وساطت دیگران**

یکی از عیوب مجریان حد و حدود این است که؛ گاهی برخی از طریق وساطت افراد با نفوذ، تخفیفی را در اجرای حدّ لحاظ می کنند، که این خود موجب رواج منکر در جامعه اسلامی می گردد. در این واقعه امام علی علیه السّلام به میانجی گری هیچ کس توجه نکردند، چون جریح تر شدن شخص خاطی و شکستن قبح این چنین گناهی در جامعه اسلامی را به دنبال داشت. لذا حضرت فورا حکم جلب را صادر فرمودند و حد الهی را اجرا کردند.

این اتّفاق هم برای خود شخص گنهکار و هم ناظران این اتّفاق درس خواهد بود، که اگر مبتلای به چنین خطایی هستند و یا این خطا را مرتکب شده اند و یا قصد دارند، از قصد خود برگشته و در مسیر هدایت حرکت کنند.

**سابقه درخشان افراد مانع اجرای حد و حدود الهی نمی شود**

نجاشی که سالها جزء شاعران و مداحان حضرت علی علیه السّلام بود، و از علاقه مندان به ایشان و از حزب ایشان هم بود(Khamenei.ir بیانات، نماز جمعه1/4/80).

این سوابق مانع اجرای حد و حدود اله یبر وی نگردید. این اتّفاق و این نحوه عدالت موجب می گردد که افراد دیگر از روزه خواری آن هم به آن نحو دوری کنند و مانع انتشار این منکر جامعه خواهد شد.

## بخش سوم: شرایط و خصوصیات مجری امر به معروف و نهی از منکر از منظر حضرت امیر علیه السّلام

علی علیه‌السلام، تعابیر زیادی در خصوص آمر و ناهی و این‌که چه خصوصیاتی باید داشته باشد و به چه نکاتی توجه نماید، دارند. مهم‌ترین خصوصیت امر به معروف و ناهی از منکر از نظر امیر‌المؤمنین این است که باید خودش به آنچه که می‌گوید، عامل باشد. دیگر این‌که اهل مدارا، سازش و تابع مطالع نباشد. همچنین آمر و ناهی باید در این راه از سرزنش ملامت‌گران نهراسند.

(Khamenei.ir بیانات، نماز جمعه1/4/80).

آگاهی کامل از کار مخاطب

امرکننده یا نهی کننده بداند که آنچه را که شخص مکلّف ترک کرده یا انجام‏‎ ‎‏داده معروف یا منکر است، پس بر کسی که معروف و منکر را نمی شناسد واجب نیست و‏‎ ‎‏علم (در امر به معروف و نهی از منکر) مانند استطاعت در حج، شرط وجوب است.‏(تحریرالوسیله ج1ص529)

شخص آمر به معروف و ناهی از منکر لازم است آگاهی کامل را نسبت به حکم فعل مخاطب دارا باشد. ممکن است آمر به معروف و ناهی از منکر نسبت به امر مباحی واکنش نشان دهد و یا به گمان خود کار مخاطب که مستحب است می باشد در اصل، واجب تلقّی کند و یا به علت عدم آگاهی لازم از موازین شرعی مخاطب را به گمراهی کشانده و وی را از مسیر هدایت خارج سازد. لذا لازم است شخص آمر و ناهی از کار مخاطب و حکم شرعی کار وی آگاهی داشته تا در مواقع ضرورت واکنش های صحیح و مورد قبول دین نشان دهد.

**خودسازی قبل از دیگرسازی**

امام علی علیه السّلام در روایتی گوهر بار می فرمایند: مَن نَصَبَ نفسَهُ للنّاس إِماماَ فعلیه أَن یبدَأ بِتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره و لیکن تادیبه بسیرته قبل تأدیبه بِلسانِه. و معلم نفسه أَحقّ بالإِجلا من معلم الناس و مؤَدّبهم: کسی که خود را امام مقتدای دیگران می داند، باید قبل از اینکه به تعلیم دیگران بپردازد، خود را تعلیم بدهد و تربیت کردنش به وسیله سیرتش باشد نه با زبان؛ کسی که معلم خودش باشد، سزاوارتر است که گرامی داشته شود تا کسی که معلم و مربی دیگران است.

در این بیان حضرت علی علیه السّلام تعلیم نفس را مقدم بر تعلیم دیگران می داند و بر همین اساس می فرماید: باید تادیب و اصلاح دیگران به وسیله ی سیره ی عملی باشد نه به وسیله زبان.(همان)

در واقع تا شخص نتواند خود را اصلاح کند نمی تواند، دیگران تحت تاثیر تذکرهای خود قرار داده و آنها را هدایت کند.

امام علی علیه السّلام می فرماید: ائْتَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أْمُرُوا بِهِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ انْهَوْا عَنْه‏: به معروف عمل کنید و به آن امر و فرمان دهید. از منکر دست بکشید و دیگران را نیز از آن باز دارید.(منبع ترجمه: همان).(منبع روایت:تصنیف غررالحکم و درر الحکم ص332)

در اینجا حضرت ابتدا به «ائتمار» و عمل نمودن به معروف و کار نیک دستور می‌دهند سپس خواستار «امر به معروف» می‌گردند. همچنین اول «تناهی و ترک منکر را لازم می‌دانند، آنگاه می‌خواهند که «نهی از منکر» صورت گیرد. (Khamenei.ir بیانات، نماز جمعه1/4/80)

همچنین در این روایت اشاره به وجوب امر به معروف و نهی از منکر و امر به اجرای این فریضه مقدس، توصیه به خود سازی شده است، یعنی شخص ابتداء تذکراتی را که می خواهد به دیگران دهد، به خویش بدهد.

قرآن کریم در مورد افرادی که عالم به احکام اند ولی به علم خود عمل نمی کنند، به صورت توبیخ می فرماید: "یا أَیُّها الَّذینَ آمنوا لِمَ تقولونَ ما لا تفعلون": ای کسانی که ایمان آوردید چرا به آنچه که می گویید عمل نمی کنید؛ و در آیه بعد که ادامه همین آیه می باشد، می فرماید: "کَبُرَ مَقتاً عِندَ اللهِ أَن تقولوا ما لا تفعَلونَ": نزد خدا به شدت موجب خشم است که چیزی را بگویید که خود عمل نمی کنید.

در این دو آیه خداوند متعال نیز شخصی را که به دیگران تذکر می دهد ولی در مقام عمل، خود دچار مشکل است، توبیخ می کند و هشدار می دهد.

یکی از اصول تاثیر گذاری و تاثیر پذیری این گونه است که مخاطب متوجه عامل بودن شخص تذکر دهنده شود، گاهی اوقات افرادی فقط صحبت می کنند، فقط منبر می روند معاذالله، در مقام عمل

می لغزند، چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند.

وقتی که مخاطب متوجه عالم بی عمل می گردد، متوجه می شود شخص تذکر دهنده فلان منکر یا معروف را فقط برای دیگران منکر می داند، نه برای خود، از تاثیر پذیری سر باز می زند.

حضرت علیه السّلام در روایت دیگری می فرماید:

أَیها الناس إنی والله لا احثکم علی طاعه إلا و أسبقکم الها، و لا أنها عن معیصه الا و أتناهی قلبکم عنه: ای مردم، به خدا قسم من هیچ‌گاه شما را به طاعتی تشویق و ترغیب نکرده‌ام مگر اینکه خودم قبل از شما از آن دست کشیده‌ام». زشتی و ناپسندی امر و نهی بدون عمل را حضرت دلالت بر گمراهی جهل می‌داند. (Khamenei.ir بیانات، نماز جمعه1/4/80) (منبع روایت: عیون الحکم و المواعظ للیثی،ص169).

**اهل مدارا، سازش و طمع نبودن**

حضرت امیر الکلام علی علیه السّلام در روایتی می فرماید: لا یقیم امر‌الله سبحانه الامن لا یصانع و لا یضارع و لا یتبع المطامع: کسی نمی‌تواند امر خدای سبحان را اقامه کند مگر آنکه مدارا نکند، سازشکار نباشد و پیرو آرزوها نگردد».(Khamenei.ir بیانات، نماز جمعه1/4/80)

(سند روایت: نهج البلاغه للصبحی،حکمت110ص488)

با بررسی مجموع روایات، توصیه های اهل بیت به مدارا و سازش، تنها در مورد مسائل فردی

می باشد، نه مسائل کلان اجماعی همچون فریضه امر به معروف و نهی از منکر.

اساسا مدارا و سعه صدر دارای حدود ثغور می باشد و همیشه و در همه جا راه گشا و کار ساز نمی باشد. خصوصا در مورد فریضه امر به معروف و نهی از منکر که به تعبیر رهبر معظّم انقلاب، واجب فراموش شده است.

در روایت حضرت امر علیه السّلام برای اقامه امر خدای سبحان، به دو نکته اشاره شده است:

الف: امر خداوند اقامه نمی گردد مگر اینکه مدرا نکند و اهل سازش نباشد:

مدارا موجب عدم اقامه امر خداوند می شود، یکی از عوامل شیوع برخی گناهان و مفاسد، مدارا کردن از اشخاص خاطی می باشد، متاسفانه در جوامع اسلامی نیز دیده می شود، شخص به علت اینکه جزء ژن برتر جامعه است، میزان برخورد و مجتازات وی با شخصی که از طبقات ضعیف جامعه است فرق دارد. بعد از گذشت مدتی دیده می شود اقشار ضعیف جامعه اگرچه تحت فشارهای متعدد ناشی از فاصله طبقاتی هستند، دستشان از فساد کوتاه می شود، ولی اقشاری مرفه جامعه روز به روز پروارتر و جریح تر نسبت به مفاسد می گردند. این است آفت مدارا در زمینه اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر.

ب: کسی می تواند امر خداوند را اقامه کند که پیرو آرزوها نگردد:

آرزوهای دور و دراز مانع اجرای احکام الهیمی گردد. وقتی شخصی به دنبال آرزوهای خارج از توان خود هست، به هنگام اجرای حکم، به هنگام امر و نهی می لغزد. وقتی یک مجری قانون، شخصی که وظیفه امر و نهی مردم را بر عهده دارد، مغلوب آمال و آرزو های خود می شود به محض پیشنهاد رشوه می لغزد و از اجرای احکام دست بر می دارد؛ رشوه می گیرد تا راحت تر به آرزوهایش برسد، رشوه می گیرد چون آمال و آرزوهای وی، او را از جدیت در اجرای فریضه الهی غافل کرده است. و نمی تواند آمال خود را فدای اجرای فریضه ای همچون فریضه امر به معروف و نهی از منکر کند.

موجب آبرو ریزی خوار مخاطب نگردد

نباید شخص آمر به معروف و ناهی از منکر به جهت اقامه یک فریضه الهی، مرتکب یک یا چند حرام الهی گردد.

امام صادق علیه السّلام در روایتی می فرماید: خداوند تبارک و تعالی فرموده اس: هر کس دوستی از دوستان مرا خوار کند، در کمینجنگ با من نشسته است.(کافی،ج21،ص577)

همانطور که در فصل دوم اشاره شد، امام علی علیه السّلام هنگام ورود به بازار به طور عمومی برخی منکر ها را متذکر میشدند، زیرا اگر شخصی همچون امیر المومنین به طور علنی منکری را نسبته به شخصی متذکر میشدند، قطعا آبروی شخص خاطی از بین می رفت.

آگاهی از احتمال تاثیر پذیری مخاطب

لازم است شخص آمر به معروف و ناهی احتمال تاثیر پذیری مخاطب را بدهد. در غیر ابن صورت امر به معروف و نهی از منکر واجب نخواهد.

احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد، پس اگر بداند یا اطمینان پیدا کند که تأثیر‏‎ ‎‏ندارد واجب نمی باشد.‏(تحریرالوسیله ج1ص531)

گاهی مخاطب آن چنان لجوج است که هیچ گونه تاثیر پذیری از شخص آمر به معروف و ناهی از منکر ندارد.

در این مواقع لازم است مومن عزت خود را حفظ کند امام علی علیه السّلام می فراید: کسی که حیثیت و آبروی خود را می برد خودش را به پستی و خاک مذلّت افکنده است(غرر الحکم ص242).

**بی توجه ای به ملامت گران**

هیچ گاه نمی توان در هیچ کاری از ملامت ملامت گران در امان بود، این اتّفاق برای هر مجری در زمینه اجرای هر گونه فریضه الهی امکان دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان معصوم و خاتم الأنبیاء نیز توسط کفار لجوج به جنون متهم می گشت.

در زمان کنونی نیز امکان این اتفاق وجود داد. امکان دارد شخص آمر به معروف و ناهی از منکر، خصوصا، در مسیر اقامه این فریضه الهی حتی اگر به احسن الوجه انجام دهد، مورد سرزنش دیگران واقع گردد، لازم است مجری این فریضه الهی نسبت به سرزنش سززنش کنندگان بی توجه ای کند، و از حرکت در مسیر الهی سرباز نزند و در این مسیر ناامید نگردد.

امیر مؤمنان علی علیه السّلام در کلامی حکمت‌آمیز، که در کتاب شریف تُحَف العقول بیان شده است، پس از جنگ صفین برای فرزند گرامی‌ خود امام حسن مجتبی علیه‌السلام، وصیت می‌نویسند؛ پس از امر به این که امر به معروف کن تا از اهل آن باشی(و أمر بالمعروف تکن من اهله) و با دست و زبان نهی از منکر کن(وانکر و منکر بیدک و لسانک) و به‌طور کامل از کسی که مرتکب منکر است، دوری نما(و باین من فعله بجهدک): می‌فرماید: و جاهد فی‌الله حق جهاده و لا تأخذک فی الله لومه لائم: و در راه خدا جهاد کن، آن‌گونه که شایسته است و در راه خدا مبادا سرزنش سرزنش‌کنندگان تو را باز دارد».(تُحَف العقول ص69) از آنجا که یکی از موانع اجرای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ممکن است سخنان ملامت‌گران و یاوه‌گویان باشد، حضرت تذکر می‌دهد که مبادا به صحبت اینان توجه نمایی. بی‌شک امر به معروف و نهی از منکر که از یک نوع جهاد است، اعتراض عده‌ای را به دنبال خواهد داشت، اما آمر و ناهی نباید به این موضوع توجه نماید.

(Khamenei.ir بیانات، نماز جمعه1/4/8

## نتیجه نهایی

در این پژوهش سعی شد به بر اساس سیره امام علی علیه السّلام به بررسی امر به معروف پرداخته شود. و با استعانت از سیره آن امام همام، اشکالات بنیادی در زمینه اجرای امر به معروف و نهی از منکر مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی برای اصلاح اشکالات موجود مطرح گردد. اشکالاتی از قبیل نحوه تشویق و یا تنبیه افراد، نحوه رویارویی با منکر، خصوصیات شخص آمر به معروف و نهی از منکر مورد بررسی قرار گرفت. همچنین به بررسی مواجهه امام علی علیه السّلام با معروف و یا منکر پرداخته شد.

ایشان در طول حیاط خود به علت دارا بودن مسئلیت الهی خود، بارها و بارها مخاطبین خود را مورد تشویق و یا توبیخ قرار داده اند. گاهی مخاطب جزء عوام مردم می باشد، ایشان برخوردی متناسب با شخصیت وی لحاظ می فرمودند، گاهی شخص خاطی جزء کارگزاران ایشان و مسولین نظام می باشند، بالتبع برخورد ایشان نیز متناسب با منصب و جایگاه وی تغییر می یابد.

همچنین در این پژوهش بیان شد که مجری امر به معروف و نهی از منکر هیچ گاه منافع شخصی را بر منافع اجتماعی مقدم نمی دارد.مانگونه که محور و الگوی اصلی این مقاله یعنی امیرالمومنین علی علیه السّلام از هیچ گونه برخورد نسبت به خطای نزدیکان فروگذار نمی شدند. گاهی شخص خاطی جزء نزدیکان نسبی یا سببی ایشان می باشد، گاهی جانصاران به دستگاه حکومت ایشان می باشند، همگان در دستگاه عدل علوی نسبت به خطای خود مسول بوده و مورد امر یا نهی ایشان واقع می شدند.

در واقع این مقاله سعی بر این داشت که راهنمایی های لازم را جهت اجرای هر چه بهتر فریضه امر به معروف و نهی از منکر ارائه کرده و مجریان این فریضه الهی را از نحوه اجرای آن آگاه سازد. لازم به ذکر است در این پزوهش راهنمایی هایی همچون شیوه های برخورد امام علی علیه السّلام با افراد مستحق تشویق و یا توبیخ، خصوصیات مجریان امر به معروف و نهی از منکر ارائه گردید. تا چراغ راهی باشد برای مجریان این واجب فراموش شده الهی.

## منابع تحقیق

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
3. مجلسی ، محمد باقر بن محمد تقی ،1403 ق، بحار الأَنوار ، دار إِحیاء التُراث العربی، دوم، دار إِحیاء التُراث العربی
4. عاملی، سید جعفر مرتضی، 1388ه ق، الصحیحُ من سیرَةِ الإِمام علی علیه السّلام،بیروت اول، ولاء المنتظر، دفترتبلیغات اسلامی.
5. ری شهری محمد محمدی، و مسعودی، عبدالهادی، 1389 ه ش، دانش نامه امیرالمومنین بر پایه قرآن و حدیث، چاپ سوم، قم دارالحدیث دوم، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
6. رستم نژاد، مهدی، 1342 ه ق، الأَمرُ بالمعروف و النهی عن المنکر فی الأَحادیث المشترکةِ بین السنَّةِ و الشیعة، قم، چهارم، المجمع العالی للتقریب المذاهب الإِسلام.
7. سیفی، علی اکبر، 1415ه ق، تحریر الوسیلة للإامام خمینی ره، قم، دوم، موسّسةُ النشر الإِسلامی.
8. نوری همدانی، حسین،1379ه ش، امر به معروف و نهی از منکر محمد محمدی اشتهاردی، قم، هشتم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
9. مصباح یزدی، محمد تقی، 1390ه ق، بزرگترین فریضه، سوم، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
10. کلینی، محمد بن بعقوب، 1410 ق‏، کافی، اول، دارالحدیث ، قم
11. تمیمی آمدی ، عبد الواحد بن محمد ، 1410 ق‏، غرر الحِکَم و دُرَر الحِکَم،قم، دوم، دار الکتاب الاسلامی.
12. خمينى، سيد روح اللّٰه موسوى،1425 ه‍ ق، تحریر الوسیله، قم، هشتم، مترجم: اسلامى، على، تحرير الوسيلة - ترجمه، 4 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
13. حسینی بیرجندی، حسین، 1376ق،تحف العقول،قم، اول، دارالحدیث.
14. عاملی، سید حسین، 1421ق، اعیان الشیعه، قم، ششم، دارالتعارف
15. ابن اثیر، علی بن محمد، 1409ق، اسدالغالبه، بیروت، اول، دارالفکر
16. عسقلانی، ابن حجر، احمد بن علی، 1415، الأَصابه، بیروت، اول، دارالکتب العلمیة
17. طبری، محمدبن حریر،1362، تاریخ طبری، تهران، دوم، اساطیر
18. محمدی ری شهری، محمد، 1391، سیاست نامه امام علی علیه السلام، قم، سوم، دارالحدیث،
19. ابن شهرآشوب، 1376ق، مناقب ابن شهر آشوب، بیروت، ، سوم، المکتبة الحیدریة.
20. مرعشی، سید روح الله، 1366ش، احقاق الحقّ و ازهاق الباطل، قم، دوم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
21. آرام، محمد رضا و محمد علی،1352، الحیاط، تهران، سوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
22. شیخ طوسی، 1365ش، تهذیب الحکام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، دهم، دفتر نشر فرنگ اسلامی.
23. مازندرانی، ابن شهر آشوب، 1379 ه ق، مناقب آل ابی طالب علیه السّلام، قم، موسسه انتشارات علامه.

1. هو طلب ترك شي‏ء و هذا يقابله الأمر و هو طلب الفعل. [↑](#footnote-ref-1)
2. به معنای ضدّ المنكر [↑](#footnote-ref-2)
3. وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنْ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنَفْثَةٍ فِي‏ بَحْرٍ لُجِّي‏ [↑](#footnote-ref-3)
4. قوام الشریعه الأمر بالمعروف و النّهی عن المنکر و إِقامةِ الحدود [↑](#footnote-ref-4)
5. من أمر بالمعروف شدَّ ظهور المومنین [↑](#footnote-ref-5)
6. ( 2) صاع: پيمانه‏اى به وزن سه كيلو گرم است. [↑](#footnote-ref-6)
7. ای مومنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است حفظ کنید.(تحریم،6) [↑](#footnote-ref-7)
8. کافی،ج2ص362 [↑](#footnote-ref-8)
9. اکبر گنجی یکی از اشخاص افراطی قبل از انقلاب و بعد از انقلاب شمرده میشد، وی اکنون در اروپا و آمریکا به فعالیت های ضد دین مشغول می باشد. [↑](#footnote-ref-9)